

به مردم آزادیخواه کردستان! در مورد جنایت مزدوران سلفی

خالد حاج محمدی

مردم آزادیخواه کردستان!
زنان و جوانان!



روز سه شنبه سوم مرداد ۱۴۰۲ - (۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳) فاروق رشیدی کارگر ۳۵ ساله در محله بهارستان سقز توسط مزدوران سلفی به «جرم کفر گوئی» با ضربات چاقو از پای درآمد و جان باخت. این مزدوران وحشی پنجشنبه گذشته ۲۹ تیر ماه در محله عباس آباد سنجند با حمله به منزل شخصی کریم قوامی بازیگر خوشنام و محبوب تئاتر با ضربات چاقو، وی را به قتل رساندند و برادرش خالد قوامی را بشدت زخمی کردند.

این اقدامات تروریستی و جنایتکارانه توسط سلفی ها در شرایطی انجام میگردد که ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، گشت ارشاد و وزارت اطلاعات، بسیج و مزدوران لباس شخصی آنها توسط مردم آزادیخواه، توسط زنان و دختران و نسل جوان، عقب رانده شده اند. این در شرایطی است که جنبشی به وسعت ایران قریب یک سال است جمهوری اسلامی، آخوند و قوانین ضد زن و ضد تمدن را به مصاف طلبیده و کشتی جنایت و توحش حاکمیت را در گل نشانده است. مردم آزادیخواه در ایران، کارگر و معلم و بازنشسته، زن و مرد، دختر و پسر، شاغل و بیکار در همه شهرها و دانشگاهها و مراکز کاری با پرچم آزادی زن، برای بهبود و رفاه عمومی و برای تحمیل عقب نشینی های بیشتر، در دفاع از حقوق انسانی خود و برای به گور سپردن جمهوری اسلامی در جدالی رودرو و روزانه هستند.

جمهوری اسلامی علیه این مردم و موج آزادیخواهی، علیه زنان و دختران متمدن و حق طلب، به انواع دسیسه ها روی آورده است. اگر آوردن جانیمان آدمکش و وحشی حشد الشعبی به دانشگاهها به عنوان ابزاری برای ساکت کردن دختران و پسران و نسل جوان آزادیخواه است، سازمان دادن مزدوران سلفی در کردستان، کرایه کردن و خریدن رهبران و سازماندهندگان آنها، تامین اسلحه و امنیت آنها و رها کردنشان زیر سایه ماشین سرکوب خود برای قمه زنی و چاقو کشی و ترور و نا امن کردن محل کار و زندگی مردم، قرار است همین هدف را تامین کند. جمهوری اسلامی برای خلاصی از دست جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه شما از هر باند جنایتکار، متعصب و آدمکشی کمک میطلبد. امروز سلفی ها در کردستان به پیشواز نیاز جمهوری اسلامی رفته اند و به عنوان مزدوران رسمی آنها، به کار گرفته شده اند. ... صفحه ۲

- کارگران جهان متحد شوید! -

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

در گرامیداشت سالگرد خیزش انقلابی مردم ایران

خیمه شب بازی دیپلماتیک حاکمیت



امان کفا

سفر اخیر رئیسی به آفریقا، شرکت در جلسه همکاری جمع شانگهای، در ادامه سفر به آمریکای لاتین و اندونزی و ... را جمهوری اسلامی جزو گامهای «مهم» در عرصه بین المللی و از پیشروی در سیاست نزدیکی با همسایگان و دوستی های منطقه ای معرفی کرده است. برخی روزنامه های ایران نیز، این دیدارها را نشانی از «مقبولیت» جمهوری اسلامی در این دوره برشمرده اند و ادعا کردند که جمهوری اسلامی از «انزوا» خارج شده است. «روند عادی سازی» روابط، «تعادل در سیاست خارجی» و «تعامل با کشورهای همسایه» به نتیجه رسیده و بر خلاف انتظارات «دشمنان حکومت»، دولت های متعددی با «پهن کردن فرش قرمز»، آماده پذیرایی از جمهوری اسلامی و خواهان ارتباطات سیاسی، تجاری و اقتصادی با جمهوری اسلامی شده اند.

مشکل اقتصادی ایران و جمهوری اسلامی، اما، هراتب عمیق تر از آن است که با این بازی های دیپلماتیک قادر به پنهان کردن آن باشد. رابطه های اخیر جمهوری اسلامی با آفریقا، در حال حاضر هراتب کم و بخش غیر تعیین کننده ای از کل اقتصاد چه ایران و چه این کشورهایی است که رئیسی به آنها سفر کرده است. هر کدام از این کشورها، خود بخشی از دولت هایی را شامل می شوند که هر کدام به نحوی در جرگه «کشورهای تحت محاصره اقتصادی» قرار دارند و محدودیت های خود را دارند. ... صفحه ۲

دو دسته هستند که مکانیسم های

جامعه را نمی شناسند:

یکی احمق ها و دیگری دیکتاتورها



مظفر محمدی

احمق ها تراوشات و تخیلات معیوب ذهن بیمار خود را جانشین مکانیسم جامعه قرار می دهند. زمانی که پروپاگاند و تحلیل ها و تهییج های پوچ شان بی اثر و ثمر می شود یاس و ناامیدی و شکست را جانشین می کنند. و مستبدین شیوه ی زور و تحمیق و دروغ را در خدمت منفعت و امنیت «ملی» و اداره ی جامعه که در واقع همان پندار و تصور باطل حفظ بقا است، قرار می دهند.

مکانیسم جامعه و کارکردهای آن

مکانیسم و کارکردهای جامعه نه بطور کلی بلکه در شرایط کنونی ایران بطور مشخص، همبستگی اجتماعی است. همبستگی ای که بر دو پایه استوار است. یکی همبستگی اجتماعی طبقه کارگر بنا به خصلت همسرنوشتی و منافع مشترک و متکی به تجارب مبارزاتی چند دهه ی اخیر. و دیگری همبستگی اجتماعی اکثریت محرومان و تهیدستان (فرهنگی، بازنشسته، کارمند جزء، دستفروشان، تن فروشان، سربازان...) بر اساس دردها و نیازهای مشترک. معمولاً این همبستگی، همدردی و نیاز مشترک زمانی درک می شود که ابرازگشته و قابل مشاهده باشد. یعنی در عمل اجتماعی و فریاد و اعتراض خود را نشان دهد. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

در گرامیداشت سالگرد خیزش انقلابی مردم ایران

سالگرد شهریور ۱۴۰۱ سرآغاز خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در راه است. خیزش توده ای که نه فقط جامعه ایران که کل مردم جهان را متوجه جایگاه مهم تحولات سیاسی و اجتماعی از دریچه جنبش رادیکال و انقلابی مردم برای تغییرات ریشه ای در ایران کرد. همه چیز گواه اینست که سرها و امیدها به سمت آینده خیزش مردم ایران، به سمت طبقه کارگر و زنان و جوانان آزادیخواه چرخیده است. جنبشی که همبستگی قدرتمند مردم متمدن بویژه در جوامع غربی را به سوی خود جلب کرده است. خیزشی که هنوز آثار لریزه اش بر اندام حاکمین محسوس است.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) به پیشواز سالگرد این خیزش رادیکال و انقلابی میروند و همه ایرانیان آزادیخواه، مردم مترقی حامی این خیزش در جوامع غربی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای سوسیالیست و انساندوست در این جوامع دعوت میکنند که در سالگرد این خیزش آزادیخواهانه و برابری طلبانه همراه با ما و مردم ایران باشند.

برنامه های ما به مدت یک هفته از ۱۳ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ در اشکال متنوع در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی برگزار میشوند. جزییات برنامه ها متعاقبا به اطلاع عموم میرسد.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۷ ژوئیه ۲۰۲۳

خیمه شب بازی دیپلماتیک ...

برای نمونه، جمهوری اسلامی با مثلا اوگاندا قراردادی در عرصه کشاورزی می بندد که بنا بر آن منابع کشت و کشاورزی را به آن صادر می کند، بطوریکه کشت در اوگاندا انجام می گیرد و سپس محصولات کشاورزی به ایران صادر می شود. در این معامله، که استفاده از آب و زمین در اوگاندا انجام می گیرد و محصولات به ایران وارد، آنهم نه با ارز رایج، بلکه بصورت پایاپای یا حتی طلا انجام میگردد، تنها کوتاه مدت و محدود است و به هیچ وجه پاسخگوی نیاز سرمایه در ایران، برای راه اندازی اقتصاد را نمیدهد. فراتر اینکه این سیاست تازه ای نیست و قبلا هم امتحان شده بود. روی آوری و دیدار با کشورهای آفریقایی، سیاستی است که در دوره ریاست جمهوری خامنه ای با سفرهای متعدد انجام گرفت و در دوره احمدی نژاد هم نیز برقرار بود. در دوره روحانی، آنهم به دلیل امکان برقراری مذاکره و رسیدن به نتیجه با غرب، در شکل برجسام، بود که این روابط کنار گذاشته شد، چون همان زمان هم معلوم بود که این دیدارها و قراردادها قادر نیستند که تکان اصلی برای راه اندازی اقتصاد ایران و یا حتی خود این کشورهای آفریقایی باشد و مسلما نازل تر از آن است که راه حل قابل ملاحظه ای برای دستیابی جمهوری اسلامی به امکانات اقتصادی فراهم کند.

مشخصا چین، برای برقراری رابطه اقتصادی با ایران چه رسمی و چه غیر رسمی مطرح شده است. از طرف دیگر، نیاز روز کل حکومت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، بر خلاف کشورهای دیگر و قطب های منطقه ای قادر به امتیاز گیری از رقابت های موجود در میان قطب های جهانی نیست چون از موقعیت ثبات نسبی دولت های دیگر، در کشور خود برخوردار نیست. سفرهای پی در پی رئیسی در طی دو سه ماه اخیر ناشی از تلاش حکومتی است که نیازمند ارائه یک دولت سرکار و قادر به حکومت کردن را دارد. رئیسی، نماینده حکومتی است که می خواهد با سیلی این تبلیغات هم که شده، صورت خودش را سرخ کند. این تلاشی است برای جمهوری اسلامی که سیمای ضعیف و متشتت خود را نه فقط برای نیروهای خودی، بلکه در واقع در مقابل مردمی که عظمت «نه بزرگ شان» به جمهوری اسلامی در عرض همین یکسال گذشته، بعدی جهانی پیدا کرده است را، با این دیدارها و تماس ها، محکم و با اراده نشان دهد. عجله در تعدد سفرهای اخیر برای ریاست جمهور این حکومت برای این است که در مقابل این مردم به پا خواسته، آنهم قبل از فرارسیدن موعد سالگرد خیزش عمومی، چهره یک دولت «مقبول»، دولتی که قادر به «پیروزی های» دیپلماتیک و تجاری، و قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه، جلوه دهد.

به عبارتی دیگر این دیدارها و نشست های اخیر، برای جمهوری اسلامی حتی از کشورهای که با آنها معاهده و قرارداد بسته شده است، از نظر اقتصادی کم فایده تر است. مشکل اقتصادی جمهوری اسلامی فراتر از این ناشی از این است که مردمی در مقابلش به پا خواسته اند که دیگر حاضر به قبول این نوع «بیشروی اقتصادی» هم نیستند. مردمی که خواهان پایین کشاندن کل این حکومت و دولتش و کل اقتصادی هستند که جان و زندگی آنان را به گروگان گرفته است. جامعه ای که دستیابی به یک زندگی انسانی را با کنار گذاشتن نقش بازار و سود در زندگی اجتماعی هدف گرفته است، واقعی به این خیمه شب بازی های حاکمیت می گذارد و برای رهایی کامل خود هر روز پر توقع تر، مبارزه می کند.

بر خلاف تبلیغاتی که برافه افتاد، راه اندازی برقراری دوباره این روابط، دیگر امروز نمی تواند پاسخی برای مشکل اصلی اقتصاد ایران باشد. این تماس ها، در واقع بیش از گذشته، نشانگر عقب نشینی جمهوری اسلامی است. از یکطرف، برای جمهوری اسلامی ایران مسلم است که هرگونه پیشروی در عرصه بین المللی، هرگونه کسب «مقبولیت» در بازار جهانی تنها منوط به نشان دادن سیمای «غیر مخرب» و غیر بحران ساز از خود می باشد. پیش شرط این سیمای، خود منوط به نشان دادن نقش «دوستانه» و یا حداقل «غیر متخاصم» در منطقه و کشورهای دیگر است. پیش شرطی که چه از نظر غرب، و چه از نظر شرق و

به مردم آزادیخواه کردستان...

ترور و آدم کشی، حمله شبانه به منزل انقلابیون و مبارزین مخالف جمهوری اسلامی، وظیفه ای که وزارت اطلاعات و مزدوران محلی و بسیج و سپاه در آن شکست خورده اند، را قرار است سلفی ها، با تحریکات مذهبی مشتت آخوند عقب مانده و مزدور و فتوا دادن به عنوان «جهاد در دفاع از اسلام سنی» به سرانجام برسانند. این احقهای نادان و مرتجع فراموش کرده اند که امروز شهرهای ایران و مراکز کار و زندگی مردم در سراسر جامعه برای آخوند و مرتجعین ضد تمدن و ضد زن، ناامن است. فراموش کرده اند با لباس آخوندی راه رفتن در تهران و همه شهرهای ایران ممکن است با عمامه پرانی نسل جوان و مردم متنفذ از جمهوری اسلامی روبرو شود. نمی فهمند در کردستان مطلقا این بازی ها شنیع ممنوع است و برایشان هزینه های سنگین دارد. این توطئه کثیف جمهوری اسلامی را باید در نطفه خفه کرد و عاملین و مسئولین این جنایت را به سزای اعمال خود رساند. گره زدن سرنوشت خود به حاکمیتی که در لبه پرتگاه قرار گرفته و از رودرویی با مردم فرار میکنند، اوج حماقت و استیصال این باند جانی و تروریست را نشان میدهد.

رهبران و فتوا دهندگان سلفی باید خوب بدانند که این بازی کثیف آنها جواب خواهد گرفت. باید بدانند که آخوند و مرتجعین سلفی با این اعمال میخ بر تابوت مرگ خود میکوبند و هیچ عنصر و آخوند و مرتجع جیره بگیر آنها منبذ از دست مردم خشمگین و آزادیخواه در امان نخواهند بود. مردم کردستان، نسل جوان و همه نیروهای آزادیخواه و متمدن جواب اعمال جنایتکارانه آنها، جواب آدمکشی و چاقو کشی آنها را خواهند داد. باید بدانند عمر آنها به کوتاهی عمر جمهوری اسلامی و ماشین توحش آن است. بدانند که هدف بعدی خشم مردم آزادیخواه، مراکز توطئه و ترور آنها خواهد بود، بدانند نام تک آنها در لیست دشمنان مردم که باید جواب جنایات خود را بدهند ثبت شده و روز

دادخواهی مردم جان سالم به در نخواهند برد. بدانند مردم عاملین این جنایت را از کرده خود پیشیمان خواهند کرد!

مردم آزادیخواه کردستان!
جوانان، دختران و پسران متمدن!

انداختن گله تروریست های سلفی به جان جامعه فقط درماندگی حاکمیت در تقابل با شما را نشان میدهد. اینها مزدوران محلی و نوع اسلام سنی حکومت ایرانند. باید روسا و فتوا دهندگان سلفی را که رسما و عملا تهدید میکنند یا مرتکب جنایتی میشوند، تنبیه کرد و به اعمال جنایت خود رساند. سلفی ها را باید سر جای خود نشانند! به روسای آنها و عواملشان باید فهماند که در محله و محل کان در خیابان و بازار شهرها، جایی برای آنها نیست. باید به آنها فهماند هر نوع دست درازی آنها به زندگی مردم و هر نوع اعمال جنایتکارانه آنها جواب میگردد. آنها را باید در محل کار و زندگی طرد و منزوی کرد. به آنها باید فهماند که زندگی انسانی و دوستی و همکاری و همگامی مردم اجازه موشدوانی مشتت مزدور مرتجع ضد زن، عقب مانده و آدمکش را نمیدهد. باید فضای محله و شهر و مراکز کاری و تحصیلی را بر مرتجعین سلفی تنگ کرد. باید چنان درس عبرتی به این اوباش داد که در تاریخ ثبت شود.

با حمله و تهدید هر زنی، هر جوانی و هر انسان مبارزی باید با صف وسیع و متحد خود علیه جمهوری اسلامی، علیه آخوند و ملای مرتجع سلفی، علیه سازماندهندگان و مرتجعین، فضای شهر و محلات را بر همگی تنگ کرد. ما میتوانیم و باید افسار آنها را بکشیم.

بی تردید این ترفندهای جمهوری اسلامی، از آوردن حشد الشعبی به دانشگاهها تا سازمان دان سلفی ها برای جنایت و ترور آنها نجات نخواهد داد. جامعه کردستان جای مشتت جاهل عقب مانده، باند سپاهی و مزدور نیست.

اما این همه ی واقعیت نیست و فقط بخشی از حقیقت است. یعنی بروز اجتماعی همبستگی و همگرایی چیزی نیست که مردم شب می خوابند و صبح آن را ابزار می کنند و فریاد می زنند. درد و نیاز مشترک در شرایط استبدادی و دیکتاتوری مدت ها و گاهی سال ها و دهه ها روح و روان انسان را خراش می زند، افسرده می کند، نفرت بوجود می آورد و خشم ایجاد می کند. این خشم و نفرت نهفته است که در برهه هایی از زندگی انسان ها سر بر می آورد و به فریاد تبدیل می شود.

تحولات دوره های اخیر مثل انقلاب ۵۷، خیزش دانشجویی ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸، خیزش اجتماعی تیرماه ۹۶ گرسنگان، جنبش توده ای آبان ۹۸ زحمتکشان و خیزش اجتماعی شهریور ۱۴۰۱ یکی پس از دیگری گواه بر این واقعیت است. جنبش های کارگری و اجتماعی و اعتراض و خیزش و انقلاب در شرایط ایران یک تصادف و استثنا نیست. به یک قاعده تبدیل شده و تا بزرگ کشیدن حاکمیت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران ادامه خواهد داشت.

این قاعده ی مبتنی بر شرایط ویژه ی نظام جمهوری اسلامی، سرنگونی این نظام را حتمی و قطعی کرده است.

چرا که علاوه بر نفس وجود اجتماعی بورژوازی و حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه که خود بحران زا و عامل جدال همیشگی کار و سرمایه است، عملکردهای دیگر ویژه ی دیکتاتوری جمهوری اسلامی، زوال این حاکمیت را تشدید و سرنگونی اش را قطعی کرده است. از قبیل:

دسته بندی ها و ترکیب نظام مبتنی بر رهبری مطلق امام و آیت الله، سپاه پاسداران، ارتش، بسیج و پلیس مخفی و دسته های چماقدار، مراکز انحصاری اقتصادی متکی به اختلاس و حیف و میل اموال جامعه امثال انحصارات مالی سپاه، آستان قدس رضوی، ... امامان جمعه و حوزه های علمیه و مراکز فسق و فجور آخوندهای متمول و فاسد، گروه های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه، دخالت مذهب و شرع و رواج خرافات در زندگی مردم، کمپنیسم و شارلاتانیسم سران و نهادهای حاکم، دروغ و فساد و دزدی آشکار ثروتهای جامعه، زن ستیزی و آپارتاید جنسی، ستم ملی بر بخش هایی از شهروندان جامعه، سرکوب اقلیت های قومی و مذهبی و تخریب محیط زیست در خدمت همان انحصارات مالی نظامی و دولتی و مذهبی ویژه حاکمیت...

همه ی این ها در مقایسه با کشورهای پیشرفته ی سرمایه داری و حتی عقبمانده ترین کشورهای خاورمیانه، ویژگی هایی بیسابقه و کم سابقه ای هستند. این شکل از حاکمیت، اگر از طرفی حافظ نظام جمهوری اسلامی از طریق زور و کشتار و زندان و شکنجه است، اما از طرف دیگر خود بحران زا و بانی هرج و مرج اقتصادی، سیاسی و حکومتی است. فساد نهادینه سرپای این نظام را در بر گرفته و متزلزل کرده است. این رژیم در واقع فاقد ثبات اقتصادی و سیاسی و حکومتی است و از پاسخگویی به ابتدایی ترین نیازهای جامعه عاجز و در حقیقت نظام فقر و فلاکت جامعه است.

این شرایط، جنبش های انقلابی و خیزش های اجتماعی را با فاصله های کم و کم تر از همدیگر موجب شده و بحران انقلابی مساله قدرت سیاسی را روی میز جامعه قرار داده است. چنین شرایطی، طبقه کارگر و زحمتکشان و گرسنگان و در راس آن ها کارگران کمونیست و کمونیست ها و سوسیالیست ها و آزادیخواهان و برابری طلبان را برای تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی بسیج می کند. جمهوری اسلامی در مقابل این تحول ناگزیر و اجتناب ناپذیر ولو بتواند مدت کوتاهی تعادل خود را حفظ کند، اما رفتنش را حتمی کرده است.

عکس العمل های هیستریک، انتقام جویانه، کشتار جمعی و تهدید و بازداشت و تجاوز و شکنجه های وحشیانه در هر دوره از خیزش های انقلابی، نشانه استیصال نظامی است که تنها بعنوان ضامن موقت بقایش به آن پناه برده است. بنیان های نظام از جمله حکومت دین و رواج فرهنگ پوسیده و فاسد دینی و مساله زن و حجاب اجباری که چشم اسفندیار نظام است، یکی پس از دیگری سقوط کرده و فرو می ریزند. جمهوری اسلامی در مقابل آزادیخواهی و برابری طلبی میلیون ها انسان کارگر و زن و جوان خواهان زندگی بهتر، مستاصل و در مقابل اداره ی اقتصاد جامعه و تامین نیازهای اولیه ی مردم عاجز و درمانده است.

عقب نشینی، رکود، شکست!

جمهوری اسلامی فواصل خیزش های انقلابی را بعنوان شکست این جنبش ها قلمداد کرده و هر بار تلاش می کند، سنگرهای از دست رفته را بازسازی کند. اما این توهم هر بار با خیزش بعدی پوچ می شود.

جمهوری اسلامی همه ی راه ها امتحان کرده است؛ اقتصاد جنگی، کوپنی کردن کالا، انقلاب فرهنگی، دوران بازسازی اقتصاد، اصلاحات، اعتدال، پوپولیسم عوامفریبانه با تکیه بر وعده ها و رشوه های احمدی نژاد به بخش هایی از روستائیان و...

امروز تنها ابزار حفظ و بقای نظام سرکوب عریان است. تهدید روزمره ی مردم است. خامنه ای می گوید، در مقابل زنان ما دفاع نمی کنیم، تعرض می کنیم! اما در مقابل تعرض زنان و جامعه، فراموش نمی کند که باید جوانب احتیاط را رعایت کرد. «تعرض با احتیاط»! چرا که خوب می فهمند که تهدید اشکار و عریان خامنه ای و بیت رهبری و حوزه های علمیه و مساجد و سران نظامی و انتظامی، با مقاومت زنان و جامعه روبرو شده و پاسخ می گیرد. خوب می دانند که تهدید و تعرض شان کسی را نمی ترساند. زوال حکومت از زمانی که ترس مردم ریخته شد و طعم اتحاد و همبستگی را چشیده و تجربه کرده، شروع شده است. ریزش از درون نظام، برج عاج خامنه ای را از درون و بیرون به یک مترسک تبدیل کرده است. دیوارهای بتونی قلعه ی بیت رهبری در مقابل تعرض پی در پی جامعه پوسیده و در حال فروریختن است. دو دسته هستند که مکانیسم های اجتماعی را نمی شناسند. یکی احمق ها و دیگری دیکتاتورها.

این دو دسته نبض شان با نبض همدیگر می زند. هر دو به یک اندازه متوهم و اسیر حماقت و بلاهت هستند. اپوزیسیون راست و بورژوازی که مکانیسم های جامعه را نمی فهمند، فواصل خیزش ها را عقب نشینی و رکود می نامند و دیکتاتور هم آن را شکست دشمن «جامعه» فرض می کند. این دو صف به یک اندازه ابله، احمق و متوهم اند.

استراتژی و تاکتیک

مکانیسم های اجتماعی امروز یک استراتژی عمومی و سراسری دارند و آن سرنگونی جمهوری اسلامی است. امروز بیشتر از همیشه اکثریت عظیم همه ی بخش های جامعه، پذیرفته اند که سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط هر گونه تحول سرنوشت ساز برای کل جامعه است. اما برای تحقق این هدف و استراتژی، یک تاکتیک برای همه وجود ندارد. تاکتیک های مبارزاتی بسیار متنوع و گسترده است.

برای مثال اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتراضات و اعتصابات دانشجویان، فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران،... خیزش ها و اعتراضات اجتماعی تهیدستان و گرسنگان، اعتراضات زنان در «خیابان ها و محلات و مدارس و دانشگاه ها»، اعتراضات گروه های روشنفکری و هنرمندان،... تاکتیک ها و شیوه های مبارزه توده های مردم است. برای اپوزیسیون بورژوازی، شورش، عصیان و خیابان، هم استراتژی و هم تاکتیک شان است. در نتیجه زمانی که خیابان خلوت می شود، تمام بنیان فکری و استراتژی شان فرو می ریزد. البته فراموش نمی کنیم که عصیان و شورش برای بورژوازی نه ابزار انقلاب از پایین مردم بلکه بعنوان عامل فشار بر رژیم و تن دادن به «رژیم چینج» از بالا و حتی نه واگذاری قدرت بلکه تقسیم قدرت با اپوزیسیون با حفظ همه ی نهادهای قدرت موجود از مجلس و دستگاه بوروکراسی فاسد اداری و اقتصادی و قضایی و پلیس مخفی و سپاه و بسیج است. همه به یک اوضاع واحد رجوع می کنند، ختم انقلاب و هر نوع حرکت انقلابی و حفظ، دوام و بقاء توحش بورژوازی در ایران.

برای جمهوری اسلامی واضح است که اعتصابات کارگری و اعتراضات فرهنگیان و بازنشستگان از جنبش و خیزش سراسری زحمتکشان گرسنه، جنبش آزادی زن و خلاصی فرهنگی جوانان، مجزا نیست. هر اعتراضی از برداشتن حجاب دختران در خیابان تا اعتصاب کارگران و اعتراضات فرهنگیان و بازنشستگان کارگری و فرهنگی و... را سنگرهای بهم پیوسته ی تعرض به خود می داند. با کارگران و معلمان و بازنشستگان اعتصابی همان رفتار را می کند که در خیابان با دختران و زنانی که حجاب اجباری را عملاً لغو کرده اند و زحمتکشانی که با فریاد اعتراض به فقر و گرسنگی زمین را زیر پای حکام تبهکار داغ کرده اند. سیاست خامنه ای تنها در برابر زنان، تعرض نیست بلکه سیاست سرکوب عریان در مقابل کارگران و زحمتکشان و همه ی تهیدستان است. تنها ابزار باقیمانده در دست خامنه ای و نظامش، تفنگچی های حزب الهی درون سپاه و بسیج و پلیس مخفی است. کفگیر خامنه ای و بیت اش به ته دیگ خورده است.

جنبش انقلابی ایران چشم به پیروزی دوخته است

خیزش شهریور ماه ۱۴۰۱ از همان ماه های آغاز نشان داد که پتانسیل توده ای شدن و پایداری و مقاومت را دارد. عوامل مهم و تعیین کننده ی این پایداری و مقاومت، عبارتند از... ادامه در صفحه بعد

یکی، همبستگی، همسرنوشتی و دردها و نیازهای مشترک در صفوف طبقه کارگر و اقشار مختلف جامعه. همه ی جنبش های طبقاتی و اجتماعی از کارخانه تا مدرسه و دانشگاه و محله در باره خواستهایشان یک دل و یک صدا هستند. خواست آزادی و برابری!

عامل دوم، این است که نظام سرمایه داری ایران از پاسخ دادن به نیازهای اقتصادی و سیاسی جامعه عاجز و ناتوان است. این بی جوابی و ناتوانی، از طرفی توده های مردم را برای به زیر کشیدن این نظام ناگزیر کرده و از طرف دیگر در صفوف حاکمیت شکاف های عمیقی ایجاد نموده است. توازن قوای کنونی بین مردم و دولت حتی برای نزدیک ترین عناصر به حاکمیت آشکار و ترسناک است. بخشی از درون و بیرون حاکمیت با زبان بی زبانی اعتراف می کنند که شانسی برای ادامه ی حیات این نظام نمی بینند.

عامل سوم، چپ و رادیکال بودن جنبش انقلابی و اجزای تشکیل دهنده ی این خیزش و جنبش است. رادیکالیسم جنبش در شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه، برابری بی قید و شرط زن و مرد، کوتاه شدن دست مذهب از دخالت در زندگی مردم و از دولت. خاتمه دادن به فقر و تنگدستی و برخورداری یکسان همه از رفاه و خوشبختی، فاصله گرفتن از قوم گرایی و سیاست و افق اپوزیسیون بورژوازی تکیه بر دول غربی، نفی بازگشت نظام شاهی، به حاشیه راندن فرقه های مذهبی از نوع مجاهدین و در یک کلام آزادی و خوشبختی و سعادت همگانی با قدرت دخالت مردم از پایین و اداره شورایی جامعه!

این خصوصیت و ویژگی جنبشی است که جوهر و محتوای آن ضد سرمایه داری است. چرا که هیچکدام از این نیازها و خواستها در چهارچوب نظام سرمایه دارانه و بویژه نظام جمهوری اسلامی متکی به ارتجاع مذهبی و اقتصاد رانتی فرقه ها و نهادهای دینی حوزوی و امامان مرده و زنده، متحقق نمی شود.

در مقابل توحش سرمایه و دین در جمهوری اسلامی، سوسیالیسم بعنوان راه حلی برای انتخاب شدن، در دستور جنبش انقلابی است.

درک این شرایط و آماده شدن برای تحقق آزادی و برابری بر ویرانه های نظام نکبت بار سرمایه و دین در ایران وظایف عاجل و تعیین کننده ای در دستور کارگران سوسیالیست و زنان و مردان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب قرار داده است. محور اساسی پراتیک اجتماعی و تاکتیک های مبارزاتی در خدمت تحقق هدف سوسیالیستی آزادی و برابری بر محورهای اساسی زیر استوار است.

اول- برسمیت شناختن و آگاهی کامل به مکانیسم های جامعه و توازن قوای اجتماعی در برهه های معین مبارزاتی و اتخاذ تاکتیک های مبارزاتی متناسب با توازن قوا.

دوم - ارتقای مبارزات اجزای مختلف جنبش های اجتماعی به یک همبستگی و همدلی و شعار و خواستهای سراسری رفاه، آزادی و برابری.

سوم - ابراز وجود عملی رهبران کارگری و توده ای زن و مرد و جوان برای هدایت و سازماندهی جنبش های اجتماعی و فراهم کردن زمینه ی ایجاد رهبری سراسری جنبش انقلابی از تدارک تا تعرض برای یکسره کردن کار دشمن. چهارم - ما کمونیست ها در دل تحولات انقلابی ایران با شعار اساسی، آزادی، برابری، حکومت کارگری؛ بدون وقفه برای ایجاد حزب کمونیستی در درون طبقه کارگر بعنوان ستاد مبارزه این طبقه و ایجاد جامعه ی سوسیالیستی آزاد و برابر و مرفه مبارزه می کنیم.

منصور حکمت :

«تحقق شعار آزادی، برابری؛ حکومت کارگری یعنی تحقق بخش حداکثر برنامه حزب کمونیست کارگران، مستلزم بوجود آوردن درجه بالایی از آگاهی و تشکل در میان طبقه کارگر ایران است. آگاهی و تشکلی که در انزوا از جامعه و در ماوراء جامعه به دست نمی آید، بلکه باید در دل همین مبارزات جاری و خیزشهای پی در پی انقلابی و از طریق کار پیگیر کمونیستها به دست آید. طبقه کارگر باید از هر دوره و عرصه مبارزه طبقاتی و انقلابی آگاهتر و متشکلتر و با پیوندی عمیق تر با حزب خود، حزب کمونیست، به جلو گام بردارد. شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" قطب نمای حرکت پیوسته ما از دل نبردهای متعدد و عرصه های متنوع مبارزه است.»

این پیامی استوار و پابرجا به کمونیست های طبقه کارگر و سوسیالیست ها و آزادیخواهان و برابری طلبان درون جنبش های اجتماعی زحمتکش؛ زنان و جوانان است!

پ ک ک، حامی وفادار هلال شیعه

پ ک ک از مجرای بیانیه کنفدراسیون جوامع کردستان (ک.ج.ک) به مناسبت آغاز « روز محرم» به تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۲۳، به دفاع از مذهب و ارتجاع اسلامی روی آورده است. در این بیانیه، از عاشورا، محرم حسینی و مقاومت کربلا به عنوان زنده نگه دارنده «وجدان بشریت» نام برده میشود. پ ک ک با صدور این بیانیه بار دیگر ماهیت ارتجاعی خود، وفاداری و عشق به جمهوری اسلامی و بعلاوه دشمنی واقعی و نفرت از جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلبانه در ایران و حتی کشورهای منطقه را، بیش از پیش به نمایش گذاشت. در این بیانیه آمده:

«جنبش آزادی کوردستان «یک جنبش حسینی معاصر است» و از همگان خواست تا به صفوف مبارزه برای دموکراسی و آزادی ملحق شوند.» (خط تاکید از ما است)

در بخش دیگری از این بیانیه آمده:

«مبارزه حضرت حسین و یارانش در کربلا نمونه ای موضوع درست و حقیقی علیه استمگر، استثمار و سرکوب و شکنجه ی خلق های خاورمیانه است. این موضوع در تاریخ به نمونه ای از روحیه، باور و آگاهی بی پایان آزادیخواهی در خاک خاورمیانه مبدل شده است.» (خط تاکید از ما است)

این بیانیه، با علم به محتوای آن، حاوی چند نکته اساسی بود. اول اینکه به بهانه مخاطب قرار دادن شیعه های علوی ترکیه، حاوی یک پیام مهم تر اما برای جمهوری اسلامی در این دوره بود. نشان دادن حمایت رسمی پ ک ک از جمهوری اسلامی، برای گسترش چتر حمایتی این رژیم بر سر پ ک ک و شاخه های دیگر آن از جمله همین ک ج ک، پژاک و گروه های دیگر آن در سوریه، ایجاب میکرد که سیاست خود را در هلال شیعه بیابد. اکنون سالیان درازی است که قطب نمای پ ک ک و شعبات مختلف آن از جمله شعبه ایرانی آن (پژاک) به طرف جمهوری اسلامی به عنوان یکی از بازیگران مطرح خاورمیانه است. سالیان درازی است که تبلیغ اسلام به عنوان یک دین «مدرن» سیاست پ ک ک است و در این زمینه از شخص عبدالله اوچالان تا بقیه به هر مناسبتی از مذهب و دین اسلام و حتی خود جمهوری اسلامی رسماً دفاع کرده اند. این حزب در سوریه پرو آمریکاکی است، در عراق شریک جناح سنی دولت مرکزی و در ایران حامی و نزدیک به جمهوری اسلامی. در ثانی، تمام معیارها و ارزشهای بشری پ ک ک همانی هستند که در این بیانیه به صراحت اعلام کرده اند. خطی مش و هویت این سازمان همان «خط مشی و هویت حضرت حسین و اسلام ناب محمدی» میباشد که تبدیل به نماد «مقاومت، حق طلبی» در خاورمیانه گردیده است. آنجا که در این بیانیه میگوید:

«از این لحاظ ایستادگی در برابر یزیدیان این دوران؛ که با سرکوب، دروغ و فریب جامعه؛ دین و زبان و فرهنگ آنان را انکار می کنند و خلق ها را مورد نسل کشی قرار می دهند؛ مترادف زنده نگهداشتن یاد حضرت حسین و یارانش است.» (خط تاکید از ما است)

در ادامه آمده:

«حضرت حسین یک خط مشی و هویت است که مقاومت علویت را نمایندگی می کند و علیه اقتدارگرایان مبارزه ی حق طلبی را دنبال می کند. امروزه بیش از هر زمان دیگری به این خط مشی نیازمندیم که علویان از راه روزه و عبادات خود ماه محرم و عاشورای هر سال یادش را گرامی می دارند.»

سخنان بالا از خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و خلغالی نیست، اینها سخنان پ ک ک است که ریاکارانه سنگ دفاع از مردم زحمتکش کردستان را به سینه میزند. رهبری این جریان نیک میدانند که خط مشی مورد دفاعش در ایران صدها هزار انسان را به نام دفاع از اسلام کشته است و اسم آن را نیز دفاع از خط مشی حسین و جنگ با یزیدیان نام گذاشته است. در منطقه صدها هزار انسان از افغانستان تا عراق، از سوریه تا تایلند... بدست سربازان حسین و ارتجاع اسلامی به جرم سرپیچی از اسلام کشته شده اند. این حجم از ارتجاع و عقب مانده گنی، به درست برانزده پ ک ک میباشد. دفاع پ ک ک و شاخه های دیگر آن از جمهوری اسلامی و از اسلام اصیل و از اسلام سیاسی از نوع ارتجاع شیعی آن، آنهم در دوره ای که خیزش انقلابی در ایران و در دفاع از زنان و حرمت انسانها و علیه ارتجاع مذهبی در ایران و منطقه، زمین را زیر پای جمهوری اسلامی داغ کرده است، نشان از عمق ارتجاع و ضدیت پ ک ک با ابتدایی ترین آرمانهای انسانی، تمدن و برابری طلبانه این جنبش است. این اولین بار نیست که پ ک ک در دفاع از ارتجاع اسلامی و علیه تمدن و آزادیخواهی شمشیر از رو می بندد و در کنار حکومت ایران و جریانات اسلامی می ایستد. در یکی از کنگره های چند سال گذشته پژاک، سالن را با یک پرده سیاه بین زنان و مردان تقسیم کرده بودند و هنگامی که با واکنش جامعه و احزاب سیاسی روبرو گردیدند، مجبور به حذف بلافاصله عکس های آن کنگره از روی سایت های خود گردیدند. حضور پژاک در کردستان ایران، طی توافقات پ ک ک و جمهوری اسلامی انجام گرفت تا از این طریق بتوانند این نیرو را به عنوان «اپوزیسیون» مخالف جمهوری اسلامی در تقابل با احزاب دیگر در کردستان تبدیل به یک آلترناتیو مطلوب کنند. درگیری های مسلحانه گه و بیگانه پژاک و جمهوری اسلامی نیز تنها به این دلیل است که از سوی مردم کردستان لقب «جاش» و مزبور نگیرند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) صراحتاً اعلام می کند، پ ک ک در جدال روزمره زنان و جوانان کردستان برای خلاصی از قرون وسطایی ترین قوانین یعنی اسلام، در کنار جمهوری اسلامی ایستاده است. سناریو تبدیل یک جریان مترجع و فالانژ مانند پژاک به یک آلترناتیو سیاسی از سوی جمهوری اسلامی در کردستان، یک سناریو شکست خورده است. ما پیام پ ک ک به عنوان یک جریان ارتجاعی، مدافع جمهوری اسلامی و علیه تمدن، انسانیت و عدالتخواهی را جدی میگیریم. ما مخاطرات همکاری پ ک ک و شعباتش، مخاطرات دفاع رسمی از ارتجاع حاکم بر ایران را برسمیت می شناسیم و به آن آگاهییم. ما دفاع پ ک ک از جمهوری اسلامی را چیزی جز ضدیت آنها با مردم آزادیخواه، با اعتراضات آنها، با جدال هر روزه زنان علیه اسلام و قوانین ضد زن، میدانیم. بی تردید و در شرایطی که جمهوری اسلامی توسط یک جنبش عظیم آزادیخواهانه به مصاف طلبیده شده، سهم مدافعان این حکومت از جمله گروه های اسلامی و پ ک ک و شعبات آن جز نفرت و رسوایی نخواهد بود.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۳

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena